

## بررسی تطبیقی احکام (ربا) در اسلام و یهود

ساره قاسملو<sup>۱</sup>

یحیی صباغچی<sup>۲</sup>

طیبه اکبری راد<sup>۳</sup>

### چکیده

در میان بحث های اقتصاد اسلامی، ربا اهمیت ویژه ای دارد زیرا از یک طرف یکی از عمده ترین تفاوت های بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری است و از طرفی دیگر وجود و عدم آن می تواند نقش تعیین کننده ای در سیاست های اقتصادی داشته باشد تا جایی که اکثریت اقتصاددانان سرمایه داری از آن به عنوان عامل تخصیص دهنده منابع و تعادل اقتصادی نام می برند. در نوشتار حاضر، احکام ربا در اسلام و یهود به صورت تطبیقی بررسی شده و ضمن معناشناسی ربا به روش تحلیلی مشابهت ها و تفاوت ها بین این دو مکتب در موارد ذیل مورد مطالعه قرار گرفته است: معناشناسی ربا، مسئله ربا در اسلام و یهود، فلسفه حرمت ربا، برخورد مسلمانان و یهودیان در برابر تحریم ربا، که از آنچه بررسی شد به دست می آید که ربا در هر دو آیین اسلام و یهود حرام شمرده است با این تفصیل که یهودیان زنا گرفتن از هر غیر یهودی، بدون هیچ قید و شرطی را جایز می دانند اما در دین اسلام ربا گرفتن به عقیده بیشتر علماء از کافر حربی جایز است.

### واژگان کلیدی: احکام ربا، اسلام، یهود

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف،: [Sabbaghchi@sharif.ir](mailto:Sabbaghchi@sharif.ir)

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال، [akbarirad@mailfa.com](mailto:akbarirad@mailfa.com)

## مقدمه

وجود ربا یکی از مهمترین فصول ممیزه اقتصاد سرمایه داری از اقتصاد اسلامی است. بهره، در حقیقت ستون فقرات و از ضروریات نظام اقتصاد سرمایه داری غرب به حساب می آید و به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان نظامهای لیبرال - سرمایه داری، تاثیر غیر قابل انکاری دارد. عرضه و تقاضای پول گرفته تا پس انداز، تولید، اشتغال، عرضه و تقاضای کل و ورود و خروج سرمایه، همه تحت تاثیر نرخ بهره هستند.

در اقتصاد اسلامی ربا به شدت نهی شده است و تعابیری برای تهدید و تحذیر مومنان به کار رفته است که در کمتر گناهی تا این حد سختگیری شده و بر آن وعده عذاب شدید داده شده است؛ تا جایی که قرآن ادامه ربا خواری را جنگ با خدا و رسول (ص) می نامد. اقتصاد دانان مسلمان معایب زیادی را برای نظام اقتصادی مبتنی بر ربا قائل هستند؛ از جمله این معایب می توان به محدودیت سرمایه گذاری و راکد ماندن بخش مهمی از سرمایه های نقدی جامعه؛ ورشکستگی و بحران اقتصادی به دلیل تعهدات ربوی نامتوازن با عملکرد اقتصادی بنگاه های تولیدی؛ عاملیت بالقوه ربا برای ایجاد تورم؛ سلطه عامل سرمایه بر اقتصاد، بیمه کردن عامل سرمایه از تمام خطرها و متوجه کردن همه آنها به عامل نیروی کار اشاره کرد.

دین یهود نسبت به زمان خود از شریعت جامع و کاملی برخوردار بوده و احکام آن در تورات گردآمده است. هرچند نسخه فعلی تورات، بعد از دوران اسارت و به دست علمای یهود نوشته شده است، (یهودیان دوبار به صورت دسته جمعی اسیر شدند: مرحله اول اسارت در نبرد بود که حدود ۷۳۳ قبل از میلاد با آشوریان کردند و شکست خوردند و مرحله دوم اسارت مقارن با اولین تخریب بیت المقدس حدود سال ۵۸۶ قبل از میلاد در نبرد بابل توسط بخت النصر واقع شد) با این وجود وقتی به نصوص تورات فعلی می نگریم، به روشنی پیداست که ربا در شریعت یهود، همانند سایر شرایع آسمانی، حرام بوده است و رباخواران علاوه بر استحقاق کیفرهای اخروی، محکوم به مجازاتهای دنیوی از قبیل روزه گرفتن، کفاره دادن و تازیانه خوردن می شدند. حال برخی از این نصوص عبارت است از: عهد قدیم، سفر خروج، باب ۲۲، آیه ۲۵؛ سفر لاویان، باب ۲۵، آیه های ۳۵-۳۷؛ سفر تثنیه، باب ۲۳، آیه های ۱۹ و ۲۰

البته از برخی عبارات استفاده کرده اند که گرفتن ربا از غیر یهودی اشکال ندارد. رشید رضا، از علمای اهل سنت، هنگام تفسیر آیه شریفه «فبظلم من الذین هادوا حرمانا علیهم...» (سوره نساء، آیه ۱۶۱) نص فوق را آورده و از استاد خود شیخ محمد عبده نقل کرده که نسخه اصلی تورات فاقد عبارت «به بیگانه می توانی قرض ربوی بدهی» بوده است، اما در نسخه فعلی که بعد از دوران اسارت نوشته شده است، ظاهراً این جمله را از مفهوم کلمه برادر استفاده کرده اند؛ یعنی می توای به غیر برادر خود (غیر یهودی) قرض ربوی بدهی. (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۶۲)

در نگرش دین، جامعه ای که فعالیت های اقتصادی و معیشتی خود را بر پایه ربا سامان دهد، به سوی نابودی گام بر می دارد و در راه عصیان گری و ناسپاسی است، از رستگاری و شکوفایی واقعی باز می ماند و انواع آشفتنگی ها، بی عدالتی ها و فساد گریها در آن رواج می یابد و در این روش، توده های مردم از نعمت های گوارا و لذت بخش زندگی محروم می شوند. در نگرش دین، بدترین، خطرناک ترین شیوه کسب در آمد و تأمین زندگی، آن است که انسان ها از راه ربا، توان و رشد اقتصادی خود را افزایش دهند؛ از این رو به مؤمنان

یادآور می‌شود که از رباخواری و ترویج فرهنگ ربا و ساماندهی اقتصاد جامعه بر اساس آن به شدت بپرهیزند و به تقوا و حاکمیت ارزش‌های دینی رو آورند و با دلیل تراشی‌ها و توجیه‌ها، خود و جامعه را به این دشمن پنهانی و فریبنده نیالایند.

ربا، پدیده‌ای است که در تاریخ نمی‌توان به دنبال نقطه آغازین آن بود. انسان برحسب سرشت خود و ضرورت‌های موجود از زندگی انفرادی و غارنشینی که در آن تمام وسایل مورد نیازش را خود فراهم می‌کرد، دست‌کشیده و به زندگی اجتماعی و انجام انواع دادوستد رو آورد. کتیبه‌هایی که از تمدن‌های نخستین یعنی سومر، بابل و آشور به دست آمده، نشانگر وجود روابط بازرگانی و تجاری و وام در میان مردم آن زمان است. سومریان با این گونه معامله‌ها آشنا بوده و وام گرفتن نزد آنان معمول و رایج بود. آنان کالا یا زر و سیم را قرض گرفته و در برابر آن از همان جنس سالیانه سودی به میزان ۳۳ - ۱۵ درصد به وام‌دهنده می‌دادند. بابلی‌ها بیش از مردم سومر به بازرگانی اشتغال داشتند. آنها در برابر وام فلزی ۲۰ درصد و برای وام جنسی ۳۳ درصد سود دریافت می‌کردند. با این وجود بازرگانان از این حد هم تجاوز می‌کردند و با استخدام منشیان زبردست و با ترفندهایی قانون را دور زده، بهره‌ای بیش از بهره قانونی از وامداران دریافت می‌کردند. در تمدن آشور بانک‌ها و صرافخانه‌های خصوصی وجود داشت که به بازرگانان و صاحبان صنایع وام می‌دادند و در برابر سودی معادل ۲۵ درصد دریافت می‌کردند. (تقی زاده، ۱۳۶۸، ص ۳ و ۲۷۰)

### معناشناسی ربا

در واقع ربا از ریشه ربا، یربو، ربوا به معنی افزایش یافت، می‌باشد. این واژه در لغت به معنی مطلق زیادت و نماء و سود می‌باشد. (شهابی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص: ۳۶۳؛ مشکینی، ۱۳۷۹، ص: ۲۶۷؛ صاحب‌جواهر، ۱۴۲۲، ص: ۱۸۰؛ ابو حیب، ۱۴۰۸، ص: ۱۴۳) در نتیجه ربا در لغت دو معنی می‌تواند داشته باشد:

۱. زیادی؛

۲. علو و برتری

ربا در اصطلاح عبارت است از: فروختن جنسی که مکیل یا موزون باشد، به همان جنس، با زیادتی در یکی از آنها. و وقتی ربا می‌شود که یکی از آن دو جنس زیادتر از دیگری باشد. مراد از جنس مکیل هر جنسی است که عرف و عادت مردم بر آن جاری شده باشد که او را به پیمانانه دادوستد نمایند، مثل جو و گندم و غیر اینها که بسیاری از مواضع به کیله داد و ستد می‌شوند. مراد به جنس موزون هر جنسی است که عرف و عادت مردم بر آن جاری شده باشد که آن را به ترازو و یا قیاس بکشند، مثل طلا و نقره و ابریشم و پنبه و سایر چیزها که متعارف ارباب‌صناعت و تجارت بر آن است که آنها را به ترازو می‌کشند. (نراقی، ۱۴۲۵، ص: ۱۶۶) ابن‌عقیل می‌گوید: ربا در مکیل و موزون جاری است با اتفاق جنسها، به اجماع فقها. (ابن‌عقیل عمانی، بی‌تا، ص: ۱۱۳)

### احکام ربا در اسلام (آیات و روایات)

تحریم ربا از مسائل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در آیات و روایات دارد. بسیاری از فقهای بزرگ هنگامی که وارد این مبحث شده‌اند تنها به دلایل سه‌گانه (قرآن و حدیث و اجماع) بسنده کرده‌اند در حالی

که تحریم ربا را بی شک با دلیل عقل نیز می توان اثبات کرد. بنابر این ادله اربعه (قرآن و سنت و اجماع و دلیل عقل) بر تحریم ربا خواری و اهمیت این گناه بزرگ گواهی می دهند که در این قسمت به بررسی آنها می پردازیم.

## ۱- قرآن

در اسلام ربا به شدت نهی شده است و تعابیری برای تهدید و تحذیر مومنان به کار رفته است که در کمتر گناهی تا این حد سختگیری شده و بر آن وعده عذاب شدید داده شده است؛ آیات متعددی از قرآن مجید دلالت بر حرمت ربا دارد و قرآن به شدت هر نوع رباخواری را تحریم می کند تا آنجا که آن را نوعی کفر به خدا می شمارد و به رباخوار از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می دهد و رباخوار را مستحق خلود در جهنم می داند و این کار را سبب مجازات دنیوی می شمرد.

دست کم هفت آیه قرآن به وضوح تحریم ربا را ثابت می کند:

۱. آیه ۲۷۵ سوره بقره به تشریح حال رباخواران در قیامت می پردازد که مانند دیوانگان که نمی توانند تعادل خود را حفظ کنند در عرصه محشر وارد می شوند، گامی به جلو بر می دارند و زمین می خورند و بر می خیزند و باز هم گرفتار همان سرنوشت می شوند.

مجازات رسواگر ربا خواران در قیامت به علت این است که آنها می گفتند: دادوستد و ربا همانند یکدیگر است؛ یعنی هر دو سود آور و هر دو طبق قرارداد انجام می شود (ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا)، در حالی که خودشان هم می دانند چنین نیست، دادوستدهای مشروع در راه منافع جامعه انسانی است و اگر سودی عاید فروشنده یا خریدار می شود سودی هم عاید جامعه می شود و نیازها بر طرف می شود، در حالی که رباخواران همچون زالو خون مردم را می مکند و بی آنکه خدمتی کنند ثروتهای عظیمی به بار می آورند. به همین علت خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است (و احل الله البیع و حرم الربا). بعد می افزاید: هر کس این موعظه الهی را بشنود و به کار بندد و از رباخواری باز ایستد بر گذشته وی ایرادی نخواهد بود (چرا که قانون عطف به ماسبق نمی شود) و در عین حال کار وی به خدا واگذار می شود (که وی را مشمول عفو و بخشش خود گرداند): فمن جائه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله) و در پایان آیه می فرماید: اما هر کس بعد از این ابلاغ صریح و آشکار به رباخواری ادامه دهد اهل دوزخ است و جاودانه در آن می ماند (و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون). به این ترتیب آیه با تعبیرهای حساب شده، تحریم ربا را بیان کرده جایی برای کمترین تردید باقی نمی گذارد.

۲. آیه ۲۷۶ سوره بقره بیان می کند که خداوند ربا را نابود می کند و انفاق در راه خدا را افزایش می دهد (یمحق الله الربا ویربب الصدقات). محقق به معنای نقصان یا هلاکت است در میان بزرگان اهل تفسیر آیه پیش اشاره به نابودی درآمدهای حاصله از ربا در این دنیا است یا اشاره به بی ثمر بودن آنها در آخرت است هر چند در راه خدا انفاق شود و به وسیله آن کارهای به ظاهر خیر انجام شود.

هر دو معنا می تواند صحیح باشد زیرا تجربه نشان داده که اموال حاصل از ربا دوام، بقا و برکتی ندارد و رباخواران گرفتار سرنوشت های شومی می شوند و با وضع بدی از دنیا می روند. در آخرت نیز به فرض آنکه اموال را در راه خدا انفاق کرده باشند چیزی عایدشان نمی شود چرا که خداوند جز اموال پاک و حلال را نمی پذیرد و این اصل زیبای قرآنی «انما يتقبل الله من المتقين» همه جا حاکم است. آغاز آیه تهدیدی برای رباخوران است و آخر آن «والله لا يحب كل كفار اثيم» به وضوح دلالت بر حرمت ربا دارد چرا که هم نسبت کفر به رباخوران داده شده و هم نسبت اثم (گناه) که تأکیدی بر معنای کفر است.

۳ و ۴. در آیه های ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره مسئله تحریم ربا به وضوح بیشتری مشاهده می شود. روی سخن را به همه افراد با ایمان کرده و با صراحت و قاطعیت می فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا ان كنتم مؤمنين».

ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و آنچه از ربا باقی مانده رهاسازید اگر ایمان دارید». آیه هنگامی نازل شد که آلودگی به رباخواری به طوری گسترده مردم مکه و مدینه را فرا گرفته بود، و قرآن دستور داد وام های ربوی در هر مرحله ای هست متوقف شود. سپس با لحنی فوق العاده تهدید آمیز می افزاید: «فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله»: «اگر فرمان الهی را - ترک رباخواری - اطاعت نکنید خدا و پیامبرش به شما اعلان جنگ می دهد».

معنای جمله «فأذنوا» با توجه به مفهوم لغوی آن، این است که خدا و پیامبر به شما اعلان جنگ می دهند و پیامبر اکرم (ص) از آن زمان مأمور شد که اگر رباخوران دست از کار خود نکشند با توسل به نیروی نظامی آنها را بر سر جای خود بنشانند. به هر حال چنین تعبیر تندی در هیچ آیه از قرآن درباره هیچ گناهی از گناهان وارد نشده و نشان می دهد که رباخواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و پر مفسده است. در پایان آیه برای اینکه حق و عدالت رعایت شود می افزاید: «و إن تبتم فلکم رئوس أموالکم لا تظلمون ولا تظلمون». «هرگاه توبه کنید می توانید اصل سرمایه های خود را از بدهکاران باز پس بگیرید و به این ترتیب نه ظلم و ستم کنید و نه بر شما ظلم و ستمی می شود». عبارت «لا تظلمون ولا تظلمون» یک شعار مهم و قانون کلی اسلامی است؛ هر چند در اینجا درباره رباخوران آمده اما طبق این اصل قرآنی هیچ کس نباید ظلم کند و نه مورد ظلم قرار گیرد.

۵ و ۶. در آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را چند برابر نخورید از خدا پرهیزید، تا رستگار شوید و از آتشی پرهیزید که برای کافران آماده شده است». این دو آیه - بر خلاف آیه های گذشته - به قسم خاصی از ربا نظر دارد و آن ربای مضاعف است، یعنی آیه، حرمت ربای مضاعف را اثبات می کند، نه اینکه ربای معمولی را مجاز بشمرد، بلکه درباره ربای عادی ساکت است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۲۴)

۷. خداوند در آیه های ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء می فرماید: «به علت ظلمی که از یهود صادر شد و (نیز) به علت جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم و همچنین به

علت ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم». از آنچه در مجموع آیه های پیشین آمد روشن می شود که آیه های متعددی از قرآن مجید دلالت بر حرمت ربا دارد و قرآن به شدت هر نوع ربا خواری را تحریم می کند تا آنجا که آن را نوعی کفر به خدا می شمارد و به ربا خواری از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می دهد و ربا خوار را مستحق جهنم ابدی می داند و این کار را سبب مجازات دنیوی می شمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۱۶).

## ۲- سنت

دلیل دوم بر تحریم عمل زشت ربا، روایات بسیار زیاد و گسترده ای است که در منابع مختلف وارد شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «بدترین کسبها ربا خواری است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱: ۱۶۹). در روایتی مشابه از پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) آمده است: «یک درهم ربا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا» (حویزی، ۱۳۷۳: ۱، ۲۹۵؛ قربانی لاهیجی، ۱۳۷۸: ۱، ۳۹۳).

## ۳- اجماع فقهاء اسلام

تحریم ربا از نظر علمای شیعه بلکه جمیع علماء اسلام مسلم است و نه تنها آن را حرام دانسته اند، بلکه منکر آن را مرتد خوانده اند، و این حکم را جزء ضروریات دین اسلام شمرده اند؛ بنابراین اگر کسی با علم به ضروری بودن حرمت ربا، منکر آن شود از زمره مسلمین جهان خارج است. (نجفی، ۱۴۲۲، ج ۲۳، ۳۲۲)

در حدیث می خوانیم: «بلغ ابا عبدالله (ع) عن رجل انه كان ياكل الربا و يسميه اللبء فقال: لئن امكنتني الله منه لا ضربن عنقه»: «یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: به امام صادق (ع) خبر رسید که مردی ربا خواری می کند و - از روی انکار و استهزاء - ربا را «لباء» (اولین شیرینی که مادر به نوزادش می دهد و مایه حیات اوست) - می نامد حضرت صادق (ع) فرمودند: اگر خداوند مرا بر او مسلط کند و او در دسترس من قرار گیرد گردن او را خواهم زد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ابواب الربا ۲، ح ۱) به هر حال اجماع و اتفاق همه علمای اسلام بر حرمت رباست، بلکه این حکم از ضروریات دین است.

## ۴- عقل

دلیل چهارم؛ دلیل عقل است. از آنجا که ربا مصداق بارزی از مصادیق ظلم است بلکه ربا خواری ظلم فاحش و آشکار است و حرمت ظلم از مستقلات عقلیه است، بنابراین ربا خواری عقلاً زشت و حرام می باشد، افزون بر این ربا خواری منشأ مفاسد زیادی است که قبح آنها نیز از مستقلات عقلیه است، بنابراین ربا خواری عقلاً نیز حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۲۸)

در اسلام و فقه امامیه ربای حرام با وجود سه شرط محقق می شود:

اول: فروختن جنسی به همان جنس، مثل فروختن طلا به طلا، در غیر این صورت ربا نخواهد بود.

دوم: جنسی که فروخته می شود به مثل جنسی باشد که به پیمانانه کیل شود، مثل فروختن جو به جو.

سوم: باید یکی از آن جنس مکیل یا موزون که به همان فروخته می شود، زیادت‌تر از دیگری باشد. مثل اینکه ده مثقال طلا را به یازده مثقال طلای دیگر بفروشد. (تلخیصی از: نراقی، ۱۴۲۵، ص: ۱۶۷)

در روایتی، مسلم از عباده بن صامت از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، نمک به نمک و خرما به خرما همانند با مانند برابر با برابر (مبادله شود).<sup>۴</sup> این حدیث به روایات متفاوت که همه آنها یک معنا را می رساند، نقل شده است از آن جمله است حدیث فوق که در ادامه آن آمده است: «اما اگر این انواع متفاوت باشد هر گونه می خواهید بفروشید، مشروط به آنکه بیع دست به دست (نقد) باشد.» این حدیث را احمد و مسلم روایت کرده اند. فقها درباره اجناس ربوی که در این حدیث بر آنها تصریح نشده، اختلاف ورزیده اند. این اختلاف از آنجا ناشی می شود که آیا حکم این حدیث خاص به مواردی است که در آن ذکر گردیده است یا اینکه حدیث خاص است؛ ولی مقصود از آن تعمیم موارد ربا می باشد و از طریق قیاس می توان بر موارد مذکور در حدیث، ربوی بودن اجناس دیگر را نیز افزود. گروهی بر این نظرند که حکم ربا تنها به اجناس مذکور محدود می شود و اجناس دیگر مشمول حکم آن نمی باشد. برخی مشروعیت قیاس را پذیرفته اند، اما در این مورد شرایط قیاس را ناکافی می شمارند و حکم مذکور را خاص علت مذکور در دلیل می دانند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۴)

شیخ طوسی می نویسد: «از دیدگاه ما ربا در هر مکیل و موزونی هست، خواه خوردنی باشد و خواه غیر خوردنی. دلیل ما اجماع و اخبار فرقه است و احتیاط هم این را می طلبد». سپس اضافه می کند: «آنچه ربا در آن ثابت شده ثبوتش تنها به نص است، نه به واسطه علتی از علل» یعنی نه به واسطه قیاس. دیگران که قیاس را دلیلی شرعی می شمردند و بر این نظرند که حکم ربا از طریق قیاس و نه از طریق شمول لفظی دلیل، بر هر چه که علت موجود در جنس های ششگانه در آن وجود داشته باشد، سرایت می کند؛ این دیدگاه اکثریت فقیهان است. (همان، ص ۲۶۵)

## استثنائات ربا در اسلام

ربا در اسلام حرام است اما استثنائاتی نیز دارد، از جمله:

### ۱) ربا بین پدر و پسر

یکی از موارد استثناء، ربا بین پدر و فرزند است. همه فقیهان اتفاق دارند که رفتن زیادی بین پدر و فرزند، فی الجمله اشکال ندارد. صاحب جواهر می گوید: درباره این مساله به طور مستفیض حکایت اجماع شده است، اگر نگوییم متواتر است، حتی امکان اجماع محصل هم در آن وجود دارد؛ زیرا هیچ اختلافی در آن نیست؛ مگر از جانب سید مرتضی (قدس سره) در موصلیات که ایشان هم بعداً در کتاب انتصار از نظر قبلی خود برگشته است. (نجفی، ۱۴۲۲، ج ۲۳، ۳۷۸)

<sup>۴</sup> «الذهب بالذهب والفضة بالفضة البر بالبر والشعير بالشعير والملح بالملح والتمر مثلاً بمثل سواء بسواء»

سید مرتضی می گوید: در قدیم، اخباری که ربا را بین پدر و فرزند، مرد و همسرش و... نفی کرده بود، تاویل می نمودم و می گفتم: منظور از لاریا امر است؛ گرچه به لفظ خبر آمده است، یعنی واجب است بین افراد مذکور را گرفته نشود، مانند تعبیر «فلا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحج در آیه شریفه و یا «العاریه مردوده» و برای تقویت این مبنا به عموم آیه شریفه «ولا تاکلوا الربوا» استناد می کردم و می گفتم: این عموم شامل پدر و فرزند و مرد و زنش هم می شود. بعد وقتی تامل کردم و اتفاق اصحاب را دیدم، از این اعتقاد برگشتم؛ زیرا اجماع جمله اصحاب، حجت است و به وسیله آن ظاهر قرآن را می توان تشخیص داد و از آن جا که ربا حکم شرعی است، این امکان وجود دارد که در محلی (موضوعی) باشد و در محل دیگر نباشد و یا در جنسی جریان داشته باشد و در جنس دیگر نفی شده باشد.» (علم الهدی، ۱۴۱۵، ۴۴۱ و ۴۴۶)

با وجود اجماع در اصل مسأله، در برخی فروع اختلاف وجود دارد، از جمله ابن جنید گفته است: این حکم تنها در صورتی است که پدر بخواهد زیادی بگیرد. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ۷۹) همچنین برخی حکم را در جانب فرزند، مختص به پسر دانسته و گفته اند که شامل دختر نمی شود. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ۳۸۰) و در شمول حکم برای فرزند فرزند و فرزند رضاعی و غیر آن نیز اختلافاتی وجود دارد. همچنین علاوه بر اجماع، روایاتی است که در این باره نقل شده است، که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

الف) عن عمرو بن جمیح عن أبي عبدالله (ع)، قال: قال امیرالمومنین (ع): ليس بين الرجل و ولده ربا و ليس بين السيد و عبده ربا. (حر عاملی، ۱۴۲۲، ج ۱۲، ۶۳۶) امیرالمؤمنان علی (ع) فرمود: «بین مرد و فرزندش و بین مولا و عبدش ربا وجود ندارد.»

ب) عن زراره و محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع)، قال: «ليس بين الرجل و ولده و بين عبده و لا بين أهله ربا.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۶۳۶)

ج) از امام رضا(ع) در این خصوص نقل شده: «ليس بين الوالد و ولده ربا.» بین پدر و فرزند و... ربا(حرام) نیست. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ۶۸۰) امام باقر (ع) نیز می فرماید: ليس بين الرجال و ولده؛ بین پدر و فرزند ربا صورت نمی گیرد. (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۲۶) دلیل عدم ربا، به خاطر رابطه اقتصادی پدر و فرزند، به ویژه فرزند که وارث پدر و مالک دارایی او بعد از مرگ او می شود، می باشد.

## ۲) ربا بین زن و شوهر

از آنجا که زن و شوهر زندگی مشترک دارند، درآمد خود را یکجا خرج می کنند و معمولاً در سختی و آسایش، رفاه و فقر باهم شریکند، اضافه گرفتن آنها از همدیگر ظالمانه نیست و موجب بی عدالتی نمی شود. امام علی موسی الرضا(ع) می فرمایند:.. لایین الزوج و المرأة ربا؛ ... و بین شوهر و همسرش ربا(حرام) نیست. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ۴۸۰) همچنین امام محمد باقر (ع) می فرمایند: «ليس بين

بين الرجل .. و لا بين أهله ربا؛ بین شوهر و زن ربا وجود ندارد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۶۳۶)

این مسأله مورد اتفاق فقهای قدیم و مشهور بین فقهای متأخر است و تمام بحث هایی که درباره اجماع، در مسأله قبل بیان کردیم، درباره این مسأله هم مطرح است و روایات مورد استناد نیز همان روایات است. قال



الصادق (علیه السلام): «لیس بین المسلم و بین الذمی ربا و لا بین المراه و بین زوجها رباه. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۴۳۷) بین مسلمانان و کافر ذمی و بین مرد و همسرش ربا وجود ندارد.

فقیهان معاصر درباره ربای پدر و فرزند و ربای شوهر و همسر فتاوی مختلف داده اند. صاحب عروه، حکیم و امام خمینی و بسیاری دیگر بر طبق نظر مشهور فتوا داده اند و گرفتن ربا را در این موارد جایز دانسته اند، اما مرحوم خوئی گفته است که احتیاط واجب در ترک آن است. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۵۶) و شهید صدر در حاشیه منهاج، احتیاط را در این می داند که پدر و فرزند، و زن و شوهر با یکدیگر معامله ریوی انجام ندهند. (حکیم، ۱۴۱۳، ۷۶)

### ۳) ربا بین سید و عبد

یکی دیگر از موارد استثناء، ربای سید و عبد است و آن طور که صاحب جواهر می گوید، اجماع بر حلیت این نوع ربا حاکم است. (نجفی، ۱۴۲۲، ج ۲۳، ۳۸۰) گذشته از روایاتی که قبلا نقل کردیم روایت زیر نیز بر این امر دلالت می کند: «صحیحہ علی بن جعفر، سأل أخاه موسى بن جعفر (علیه السلام) عن رجل اعطى عبده عشرة دراهم علی أن یودی العبد کل شهر عشرة دراهم ایحل ذلک؟ قال: لا باس (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ۴۳۷) علی بن جعفر از برادر خود، موسی بن جعفر (ع) پرسید: مردی به عبد خود ۱۰ درهم می دهد؛ به این شرط که عبد هر ماه ۱۰ درهم به وی پرداخت کند، آیا این کار جایز است؟ آن حضرت (ع) فرمود: اشکالی ندارد.»

### ۴) ربا بین کافر و مسلمان

ربا بین مسلمان و کافر از جمله استثنائات ربا معرفی شده، اینکه آیا در فقه اسلامی ربا بین مسلمان و کافر حربی جایز است، یا شامل کافر ذمی هم می شود، در زیر با توجه به روایات و نظرات علمای اسلام به بررسی این موضوع می پردازیم.

### الف) مسلمان و کافر حربی

کفار حربی کسانی اند که با حکومت اسلامی در جنگند. اموال آنها می تواند جزء غنایم جنگی محسوب شود. تضعیف اقتصادی آنها ظلم نیست؛ بلکه کار نیکو و ستوده می باشد. ضربه اقتصادی به دشمن در پیشبرد اهداف نظامی و شکست او نقش اساسی دارد. بنابراین، در جایی که ظلم صدق نکند، معامله ربوی اشکال نخواهد داشت.

روایتی در این رابطه که بین مسلمانان با کفار حربی ربایی نیست، از پیامبر اکرم (ص) رسیده: «قال رسول الله (ص): «لیس بیننا و بین اهل حربنا ربا ناخذ منهم الف درهم بدرهم و ناخذ منهم و لا نعطيهم». میان ما با کفار حربی ربا وجود ندارد. ما می توانیم از آنها هزار درهم را در مقابل یک درهم بگیریم ولی ان را نمی دهیم.» (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۲۶)

اینکه گرفتن ربا طرفینی است یا اینکه فقط مسلمان می‌تواند ربا بگیرد، اختلاف است، اگر چه نظر مشهور این است که تنها گرفتن زیادی از کافر جایز است و پرداخت زیادی به وی جایز نیست. اما در اصل مسأله نفی ربا بین مسلمان و کافر حربی، اختلافی وجود ندارد. به گفته صاحب جواهر، در این مورد اجماع حاکم است و مشهور این است که تنها گرفتن زیادی از کافر جایز است، اما پرداخت زیادی به وی جایز نیست. (نجفی، ۱۴۲۲، ج ۲۳، ۳۸۲)

ابن براج گرفتن و دادن زیادی را جایز می‌داند و می‌گوید: «برای مسلمان و کافر جایز است که یک درهم را در مقابل دو درهم و یک دینار را در مقابل دو دینار با یکدیگر معامله کنند.» (ابن براج، ۱۴۰۶، ۴۲۹)

از بین فقیهان معاصر، مرحوم خوئی احتیاط واجب را در ترک گرفتن ربا از کافر حربی می‌داند، مگر این که بعد از وقوع معامله، مال کافر از باب «استنقاذ» گرفته شود، زیرا مال کافر حربی احترامی ندارد و می‌توان آن را از راه‌های مختلف از وی ستاند. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۵۴)

استاد شهید مرتضی مطهری معتقدند که ربا گرفتن از کفار برای حکومت اسلامی جایز است ولی برای افراد جایز نیست زیرا آنچه را حکومت اسلامی می‌گیرد عائد به همه مسلمین است. (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۲۵)

مستند مشهور فقها در خصوص جواز ربا بین مسلمان و کافر حربی، علاوه بر اجماع، روایات است. البته در اینکه گرفتن ربا طرفینی است یا اینکه فقط مسلمان می‌تواند ربا بگیرد، اختلاف است، اگر چه نظر مشهور این است که تنها گرفتن زیادی از کافر جایز است و پرداخت زیادی به وی جایز نیست. اما استاد شهید مطهری فراتر از این نظر دارند که؛ گرفتن زیادی از کافر برای اشخاص جایز نیست و این حکومت اسلامی است که می‌تواند از کفار ربا بگیرد. نگارنده این نظر را بهترین نظر می‌داند به جهت اینکه اولاً؛ می‌توان گفت مال کافر حربی فیء برای همه مسلمانان است و حکومت اسلامی با دریافت آن عائد همه مسلمین می‌کند. ثانیاً: اگر قرار باشد افراد هم به گرفتن زیادی از کافر مجاز باشند، ممکن است خود باعث رواج ربا خواری شود و افراد به این بهانه به ربا خواری رو بیاورند و این مخالف حکمت‌های تحریم ربا است.

## ب) مسلمان و کافر ذمی

سید مرتضی از جمله چیزهایی را که از مختصات اُممیه می‌داند، جواز ربا بین پدر و فرزند، زن و شوهر، مسلمان و کافر ذمی، و سید و عبد است. وی پس از بازگو کردن ماجرای تغییر رای خویش در این مسأله، جواز ربا در موارد فوق را اجماع اصحاب می‌خواند. اطلاق این کلام سید مرتضی اقتضا دارد که ربا بین کافر ذمی و مسلمان، کلاً جایز باشد؛ در حالی که نزد فقیهان مسلم است که کافر ذمی نمی‌تواند از مسلمان ربا بگیرد و مشهور آنان بر این عقیده اند که مسلمان نیز نمی‌تواند از کافر ذمی ربا بگیرد؛ چنان که شیخ طوسی،<sup>۵</sup> ابن ادریس<sup>۶</sup>، محقق حلی<sup>۷</sup>، علامه حلی<sup>۸</sup>، محقق ثانی، شهید اول و شهید ثانی و از بین فقیهان معاصر، صاحب

<sup>۵</sup> محقق حلی، نکت النهایه، ج ۲، ص ۱۱۸ (و لا ربا بین المسلم و بین اهل الحرب و الربا یثبت بین المسلم و أهل الذمه)

<sup>۶</sup> حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، سرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۵۲ (و لا ربا بین المسلم و بین اهل الحرب و الربا یثبت بین المسلم و أهل الذمه)

عروه، مرحوم حکیم، امام خمینی و شهید صدر جایز نمی داند که مسلمانان از کافر ذمی ربا بگیرد. (ابن براج، ۱۴۰۶، ۴۳۱)

مشهور برای اثبات نظر خود به این دلایل استناد جسته اند:

الف - عموم نهی از ربا

ب - اموال اهل ذمه مانند اموال مسلمان محترم است و نمی توان آن را با عقد فاسد گرفت.

ج - روایات وارده در خصوص جواز ربا بین مسلمان و کافر حربی

در مقابل مشهور، از شیخ مفید،<sup>۹</sup> سید مرتضی،<sup>۱۰</sup> شریف مرتضی<sup>۱۱</sup> و ابن بابویه<sup>۱۲</sup> نقل شده است که ربا بین مسلمان و کافر ذمی اشکالی ندارد و از بین معاصران، مرحوم خوئی گر چه مانند مشهور قائل به جریان ربا بین مسلمان و کافر حربی است، لیکن عقیده دارد که پس از معامله، از جهت قاعده الزام، گرفتن ربا از ذمی جایز است. به گفته مرحوم خوئی، مشهور بین فقیهان این است که تجاهر به منکرانی، مانند شرب خمر، خوردن گوشت خوک و رباخواری موجب نقض ذمه می گردد. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۲۱۹)

فقیهان استثنای این موارد را مطلق ذکر کرده اند و لازمه اطلاق کلام آنان، این است که این استثناء در ربای معاملی و ربای قرضی جاری است. از میان فقیهان معاصر، مرحوم گلپایگانی به این مطلب تصریح کرده است. (گلپایگانی، بی تا، ج ۱، ۵۴۹)

سید مرتضی<sup>۱۳</sup> احتجاج کرده بر اجماع فقها، روایتی است که صدوق از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: بین مسلمان و ذمی و بین زن و شوهر ربا حلال است. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۴۰۰۲) (لیس بین المسلم و بین الذمی ربا و کما بین المرأة و بین زوجها ربا)

حق اینست که ربا بین مسلمان و ذمی جایز نیست و حرام است با دلایلی که ذکر کردیم از اجماعی که مجوزین ادعا کردند با بیان اقوال مخالفین بی اساس بودنش روشن گردید و روایت صدوق اگر از جهات دیگر

---

<sup>۷</sup> محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص: ۴۰ (ثبت بین المسلم و الذمی علی الأشهر)

<sup>۸</sup> علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء (ط - الحدیث)، ج ۱۰، ص: ۲۰۷ (لا بین المسلم و الحربی)

<sup>۹</sup> حسینی عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط، القدیمة)، ج ۴، ص ۵۳۲، سطر ۱۷ معاصر للمفید  
قطعه للخبر المرسل فی الفقیه لیس بین المسلم و الذمی ربا)

<sup>۱۰</sup> علم الهدی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الامامیه، ص ۴۴۲ (لا بین الذمی و المسلم)

<sup>۱۱</sup> علم الهدی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص: ۱۸۱ (ذکر أن لا ربا بین الوالد و ولده، ولا بین الزوج و زوجته، ولا بین المسلم و الذمی.)

<sup>۱۲</sup> علامه حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۵، ص ۸۱

<sup>۱۳</sup> همان (برگرفته از: الانتصار، ص ۲۱۳)

اشکال نداشته باشد می تواند حمل بر کافر ذمی ای شود که از شرایط ذمه خارج شده تا بدین وسیله بتوانیم بین ادله جمع نماییم. البته شکی نیست که ربا گرفتن از اهل حرب جایز است اما ربا دادن به آنان بر اساس ادله اولیه مذکوره نباید جایز باشد لکن روایتی را که ابن بابویه از پیامبر اکرم نقل می کند که می فرماید: لیس بیننا و بین اهل حربنا ربا نأخذ منهم و نعطیهم که با این روایت علامه حلی حکم به جواز می دهد اگر چه ابن ادریس آن را قبول ندارد. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۵۲)

## ربا در یهود

بی شک رباخواری در یهودیت، که از آیین حنیف ابراهیمی است، حرام بوده و تورات پیروانش را از آن نهی کرده است ولی خاخام‌های دنیاپرست یهودی، با تحریف کلام خدا و در تفسیرهایی چون تلمود، رباخواری را کم کم جائز دانستند و آن را به تمام دین الهی شیوع دادند. ظاهراً ربا بین یهودیان حرام است اما ربا گرفتن از غیر یهودی حرام نیست.

دین یهود نسبت به زمان خود از شریعت جامع و کاملی برخوردار بوده و احکام آن در تورات گردآمده است. هر چند نسخه فعلی تورات، بعد از دوران اسارت و به دست علمای یهود نوشته شده است، (یهودیان دوبار به صورت دسته جمعی اسیر شدند: مرحله اول اسارت در نبرد بود که حدود ۷۳۳ قبل از میلاد با آشوریان کردند و شکست خوردند و مرحله دوم اسارت مقارن با اولین تخریب بیت المقدس حدود سال ۵۸۶ قبل از میلاد در نبرد بابل توسط بخت النصر واقع شد) با این وجود وقتی به نصوص تورات فعلی می نگریم، به روشنی پیداست که ربا در شریعت یهود، همانند سایر شرایع آسمانی، حرام بوده است و رباخواران علاوه بر استحقاق کیفرهای اخروی، محکوم به مجازاتهای دنیوی از قبیل روزه گرفتن، کفاره دادن و تازیانه خوردن می شدند. حال برخی از این نصوص عبارتند از:

آیه ۲۵: «اگر نقدی به فقیری از قوم من که همسایه تو باشد قرض دادی مثل رباخوار با او رفتار مکن و هیچ سود بر او مگذار.» (سفر خروج ۲۲:۲۵)

آیه ۳۵: «اگر برادرت فقیر شده، نزد تو تهی دست باشد او را مثل غریب و مهمان دستگیری نما تا با تو زندگی نماید.» (سفر لاویان ۳۵:۲۵)

آیه ۳۶: «از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی نماید.» (سفر لاویان ۳۶:۲۵)

آیه ۳۷: «نقد خود را به او به ربا مده و خوراک خود را به او به سود مده.» (سفر لاویان ۳۷:۲۵)

آیه ۱۹: «برادر خود را به سود قرض مده نه به سود نقره و نه به سود آذوقه و نه به سود هر چیزی که به سود داده می شود.» (سفر تثنیه ۱۹:۲۳)

آیه ۲۰: «غریب را میتوانی به سود قرض بدهی اما برادر خود را به سود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن می شوی تو را به هر آنچه که دستت را دراز می کنی برکت دهد.» (سفر تثئیه ۲۳: ۲۰)<sup>۱۴</sup>

به نظر می رسد که در فقرات اول (آیات منقول از خروج و لاویان) منع از گرفتن ربا به فقیران محدود است و شامل سود گرفتن در معاملات معمول نمی شود، اما فقره دوم (تثئیه) همه نوع ربا گرفتن را در بر می گیرد (مگر به یهودیان). (رامز، ۲۰۰۴، ص ۸۷؛ سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱)

علمای یهود از این عبارات استفاده کرده اند که ممنوعیت دریافت بهره در سفر خروج و تثئیه و لاویان فقط در مورد یهودیان اجرا می شود و گرفتن ربا از غیر یهودی اشکال ندارد. رشید رضا، از علمای اهل سنت، هنگام تفسیر آیه شریفه «فبظلم من الذین هادوا حرمننا علیهم...» (سوره نساء، آیه ۱۶۱) نص فوق را آورده و از استاد خود شیخ محمد عبده نقل کرده که نسخه اصلی تورات فاقد عبارت «به بیگانه می توانی قرض ربوی بدهی» بوده است، اما در نسخه فعلی که بعد از دوران اسارت نوشته شده است، ظاهراً این جمله را از مفهوم کلمه برادر استفاده کرده اند؛ یعنی می توانی به غیر برادر خود (غیر یهودی) قرض ربوی بدهی. (محمد رشید رضا، المنار، ج ۶، ص ۶۲) در کتاب سلمونیک و شولحان عادوخان که متون احکام دین یهودند، بعد از ذکر انواع ربا آمده است: «شهادت رباخوار مردود است و عمل او در حد شرک و یک کار پست حیوانی است.» (شفائی، ۱۳۸۵، ص ۳۲)

در آیین یهود علاوه بر تحریم ربا، احکام و قوانینی در حمایت از بدهکاران وضع شده بود و گرفتن وثیقه جز با شرایط خاص برای طلبکاران جایز نبود. در تورات می خوانیم: «چون به همسایه خود قرض دهی برای گرفتن گرو به خانه اش داخل مشو بلکه بیرون بایست تا آن کس که به او قرض داده ای گرو را نزد تو بیرون آورد و اگر مرد فقیر باشد، در گرو او مخواب و به هنگام غروب آفتاب گرو او را به او پس بده تا در رخت خود بخوابد و تو را برکت دهد.» (عهد قدیم، سفر تثئیه، باب ۲۴، آیه های ۱۰-۱۴) بر اساس قانون «انفکاک سال هفتم» هر طلبکاری موظف بود قرضی را که به برادر یهودی خود داده بود ببخشد. (همان، باب ۱۵، آیه های ۷-۱۰) همه این نصوص نشانه این است که ربا در شریعت یهود حرام بود و بنی اسرائیل مدت زیادی به این احکام عمل می کردند.

در آیین یهود نه تنها قرض دهنده ای که ربا می گیرد گناهکار است، بلکه قرض گیرنده ای نیز که پرداخت ربا را می پذیرد، ضامن وی، شاهدان این معامله و حتی کاتبانی که متن این قرارداد ربوی را می نویسند ناقض حکم کتاب مقدس اند. (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱)

کتاب مقدس برای رباخواران مجازاتی را در نظر نگرفته است. بر طبق یک قاعده کلی اگر برای هر یک از منهیات تورات مجازاتی مقرر نشده باشد، مجازات تازیانه اعمال می شود. اما درباره ربا حتی این مجازات قابل اعمال نیست، و گیرنده را باید مبلغ یا شیء اضافه را به ربا دهنده باز گرداند. به همین قیاس هیچ یک از معاونان

<sup>۱۴</sup> عبیدی، عبدالرحمن حمدی شافی، فقه الأديان، منشورات زين الحقوقية، طبعه الأولى ۲۰۱۳، ص ۱۸۷

عمل نیز مجازات نمی شوند. با این همه گاه برای مرتکبان این عمل مجازات نقدی در نظر گرفته می شد. ربا دهندگان و ربا گیرندگان صلاحیت شهادت در دادگاه را از دست می دادند. (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱)

اما به تدریج در اثر حرص و مالدوستی به معاملات ربوی دست یازیدند و کار به جایی رسید که هنگام فقر و بی چیزی بدهکاران، پسران و یا خود آنان را به جای طلب خویش می گرفتند و به بندگی در می آوردند. تورات به بدرفتاری یهودیان با همکیشان خود، چنین اشاره می کند: «فریاد مردم و زنهای آنان بر ضد برادران یهودی خود بلند بود. در میان آنان کسانی بودند که می گفتند: ما پسران و دختران خود را به امانت می گذاریم تا لقمه نانی در گرسنگی به دست آوریم و گروهی می گفتند: ما نقره قرض گرفته ایم تا بتوانیم مالیات پادشاه را بدهیم و الان وضعیت ما مانند سایر برادرانمان می باشد که جملگی ضعیف و تنگدستیم و فرزندان ما به اسارت گرفته شده و چیزی دیگر برایمان نمانده است». (همان، سفر نحمیا، باب ۵، آیه های ۱-۶)

متون تاریخی یهود گواهی می دهد که آنان حتی به یکدیگر رحم نکردند و حرمت ربا در بین یهود را زیر پا نهادند و علاوه بر گرفتن ربا از یهودیان، بدهکاران را به اسارت می گرفتند و گاهی به عنوان برده به سایر ملتها می فروختند.

### تخلف یهود در رعایت قوانین منع ربا

ربا گرفتن بر پایه ایات سفر لاویان و سفر تثیبه، ممنوعیت معامله ربوی مخصوص به افراد بنی اسرائیل است و معامله ربوی با بیگانگان مانعی ندارد. (نوبهار، رحیم، جرایم و مجازات ها در تورات، ص ۲۰۲) و سیستم قرض دادن پول به خارجی ها به همراه ربا یک امر مشروع برای ارتقاء سیستم مالی است، در حالی که در سیستم اقتصاد داخلی به شدت با این مسئله مخالفت شده است. پس از گذشت چند دهه بیشتر مردم مسیحی اروپای مرکزی و غربی به یهودیان بدهکار بودند؛ این یهودیان اینک مالک روستا و شهرها و حتی اماکن مقدس مسیحی هستند. اکنون ربا به منبع درآمد اکثر یهودیان اروپا تبدیل شده است به همین دلیل است که قانون ممنوعیت استفاده از ربا در میان علماء یهود از اعتبار برخوردار نیست مثلاً در تجارت میان شرکاء نیمی از مال مربوط به قرض دهنده و نیم دیگر مربوط به قرض گیرنده می شد. در این قانون اگر قرض گیرنده نمی توانست قرض و بهره آن را در زمان مشخص شده پرداخت نماید، قرض دهنده میزان مشارکت خود را از مال تجارت برداشته و عمل او قانونی می بود. یا مثلاً کشاورز می توانست در مالی که قرض گرفته است دخل و تصرف داشته باشد آن را به دیگری منتقل کند اما در صورتی که نمی توانست وام خود را پرداخت کند می بایست میزانی از دارایی خود را به قرض دهنده واگذار کرده و یا آن را به اجاره او در آورد تا اینکه بدهیش از آن محل پرداخت شود. هر حقوقدانی می داند که اجاره کردن و یا باز پس گرفتن مال در صورتی که قرض گیرنده قادر به پرداخت آن نباشد در حقیقت یک مثال از دریافت بهره است. فرم دیگر از فرار از ممنوعیت دریافت بهره در زمان تلمود در دوران «هالواخواه» بود. در این دوران این ممنوعیت تا حدی قابل قبول و معتبر بود اما به طور کامل اجرا نمی شد. دادگاهها در صورتی که قرض گیرنده اعتراف به دریافت بهره می کرد جرایم و تحریم های برای او در نظر می گرفت. اما این قانون به پرداخت نشدن بهره از طرف قرض گیرنده حکمی صادر نمی کرد و فایده ای برای قرض گیرنده نداشت و او می بایست تمام مبلغ را پرداخت می کرد.

در جایی که مبلغ بدهی شامل اصل قرض و بهره او بود دادگاه هیچ تفاوتی بین اصل پول و بهره آن قائل نبود و کل مبلغ باید باز پرداخت می شد. پس ربای قانونی در تلمود در مورد معامله با خارجی هاست و یهودیان بیشتر تمایل با معامله با خارجی ها داشتند و از معامله کردن با خود امتناع می کردند زیرا از یهودیان مجاز به دریافت ربا نبودند. این ربا گرفتن از غیر یهودیان که مسیحیان را نیز در بر می گرفت، تا جایی ادامه یافت که در سال ۱۱۷۹ کلیسا حکمی صادر کرد که بر طبق آن دریافت ربا از اهل کتاب، همانند یهودیان ممنوع باشد، اما یهودیان از عمل به آن سر باز می زدند. این قانون توسط یهودیان آن زمان اجرا نمی شد مگر اینکه تعریف جدیدی از آن ارائه می شد به همین دلیل بیان شد: «اگر امروزه اجازه بدهیم که ربا دریافت شود از غیر یهود بدین دلیل است که آنها باید در یوغ قدرت ما باشند و ما تسلط بر معاملات آنها داشته باشیم پس برای بدست آوردن بازارهای غیر یهود و امرار معاش ما باید با آنها تعاملات داشته باشیم و باید در دریافت ربا تا آنجا پیش رویم که این معاملات از بین نرود و گرنه دریافت ربا ممنوعیت ندارد.»

(تلخیص برگرفته از: *Encyclopaedia Judaica, volume 20, p 437-444 (Usury)*)

در قرآن کریم نیز خداوند فرموده «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (انساء: ۱۶۱): ربا حرام است اما یهود مخالفت می کردند و ربا می خوردند. (عبیدی، ۲۰۱۳، ص ۱۸۸)

### جواز گرفتن ربا از غیر یهودیان

همچنین موسی بن میمون فیلسوف، طیب و تلمود شناس یهودی در کتاب خود «ید-حزقاء» به معنی «دست قدرتمند» می گوید: «ما برای برطرف کردن نیاز به بیگانه قرض نمی دهیم، بلکه برای گرفتن بهره و تحمیل خواست خودمان این کار را می کنیم؛ در حالی که چنین کاری با برادران یهودی مان حرام است.» (سایت [www.afsaran.ir](http://www.afsaran.ir)، تاریخچه ظهور ربا در مسیحیت.)

در واقع این نژاد پرستی و قوم گرایی یهود مختص به مساله ربا نمی باشد بلکه در باب امانت نیز چنین عقیده ای و رفتاری دارند، چنان که قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره آل عمران به آن اشاره کرده است؛  
وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ «و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوان امین شماری، آن را به تو باز می گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را به یک دینار امین شماری، آنرا به تو باز نمی گرداند، مگر آنکه همواره بالای سرش بایستی [و مال خود را بروی با سخت گیری از او بستانی] این بخاط آن است که آنان گفتند: [چون ما اهل کتابیم] رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب به عهده ما نیست، [و در ضایع کردن حقوق دیگران گناه و عقوبتی نداریم] و اینان [در حالی که باطل بودن گفتار خود را] می دانند بر خدا دروغ می بندند.»

یهودیان درباره این رفتار زشت خود این توجیه را به کار می برند «لیس علینا فی الامین سبیل»، علامه طباطبایی در تفسیر این عقیده یهود می فرماید: «آری این طائفه خود را اهل کتاب و غیر خود را اُمّی و بی سواد می خواندند، پس اینکه گفتند: بی سوادها بر ما سبیلی ندارند، معنایش این است که غیربنی اسرائیل حق ندارد که

بر بنی اسرائیل مسلط شود و به این ادعای خود رنگ و آب دین زده بودند، به دلیل اینکه قرآن دنبال جمله مورد بحث فرموده: ((و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون...))، با اینکه خود می دانند دروغ می گویند، دروغ خود را به خدا نسبت می دهند. آری یهودیان اینطور معتقد بودند - همچنان که امروز هم همین عقیده را دارند - که تافته ای جدا بافته اند و در درگاه خدای تعالی احترام و کرامت خاص به خود را دارند و آن این است که خدای سبحان نبوت و کتاب و حکومت را به ایشان اختصاص داده، هیچ قومی دیگر نمی تواند دارای چنین امتیازاتی بشود، پس سیادت و تقدم بر دیگران هم خاص ایشان است و از این اعتقاد باطل؛ نتیجه ها و بر این پایه سست دیوارها چیدند و مثلاً غیر اسرائیلی را محکوم کردند به اینکه باید حقوقی را که خدا فقط برای آنان تشریح کرده، رعایت کنند، ایشان ربا بخورند و دیگران ربا بدهند و کمترین اعتراضی هم نکنند، مال مردم را بخورند و صاحبان مال چیزی نگویند، حقوق مردم را پایمال کنند و کسی حق حرف زدن نداشته باشد، برای اینکه تنها اهل کتاب ایشانند و دیگران اُمی و بی سواد، پس اگر خوردن مال مردم حرام است برای غیر اسرائیلی است که نمی تواند مال اسرائیلی را بخورد و همچنین برای اسرائیلی تنها خوردن مال اسرائیلی دیگر و پایمال کردن حقوق اسرائیلی دیگر حرام است، اما مال غیر اسرائیلی و حقوقش بر اسرائیلی مباح است!» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۱۳ و ۴۱۲)

### چگونگی جواز ربا در تلمود (شرح مفصل تورات)

در قرن های بعد هم یهودیان دست از رباخواری برنداشتند و روز به روز بر دامنه فعالیت های ربوی خود افزودند؛ ستمی را که بنی اسرائیل در معامله با دیگران روا می داشتند، به خودشان برگشت و کم کم برای دریافت ربا در نزد خودشان نیز نقشه کشیدند. بعضی از مفسران تلمود، به نیازمندان اجازه دادند که قرض ربوی بگیرند تا زیان نینند؛ بعضی نیز اجازه دادند - اگر قرض برای نیاز های زندگی باشد - عالمان یهود با یکدیگر معامله ربوی کنند به این شرط که ربا بیش از یک پنجم اصل قرض «۲۰ درصد» نباشد و در پرداخت ربا، نیت، هدیه دادن باشد و با موافقت دو طرف صورت گیرد. همچنین رفتار به این قاعده، نباید آنقدر تکرار شود که به توده مردم و ناآگاهان سرایت کند.

همچنین آنان قرض ربوی شاگرد از استاد و پرداخت سود به عنوان هدیه را جایز دانستند. برخی نیز یک فرد غیر یهودی را برای گرفتن قرض ربوی از یهودی دیگر واسطه می کردند که این رفتار آنان مورد اعتراض برخی از عالمان یهود قرار گرفت؛ هرچند برخی نیز آن را روا دانستند. گسترش ربا تا آنجا پیش رفت که دیدگاه پیشین درباره ربا را رد کردند و زشتی آن را نادیده گرفتند؛ و با توجه به تغییر اوضاع جهان و فعالیت های اقتصادی رواج بهره بین یهود و غیر یهود را جایز دانستند (سایت [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)، گروه فرهنگی / حوزه آئین و اندیشه، نظر دین یهود درباره ربا خواری). به طوری که امروزه غالب بازارها و موسسات پولی دنیا تحت تصرف آنان است. (سیری، ۱۳۷۹، ص ۵۲-۴۹)

تاریخ اقتصادی یهودیان در قرون و اعصار گذشته چنین می نمایند که حرفه وام دادن [ربا] در حیات اقتصادی این مردم نقش مهم و بلکه حتی نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. در تمام مراحل تاریخ یهودیت با این موضوع برخورد می کنیم و سابقه آن حتی به دوره آوارگی یهودیان هم می رسد. (یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ص ۳۱۷)



در ادوار اوج حکومت یونان، یهودیان ثروتمندی بودند که نیاز های مقامات عالی رتبه ی دربار را مرتفع می کردند و یهودیان فقیرتر نیز به افراد تهی دست تر از خود وام می دادند. مقامات روم نیز با این کسب و کار یهودیان بیگانه نبودند. همین وضع در میان اعراب در سال های پیش از ظهور اسلام رواج داشت و یهودیان به آنها وام می دادند و اعراب نیز اعتقاد داشتند که این حرفه مختص یهودیان است و ظاهراً در خون آنها جریان دارد. (ورنر سومبارت، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹)

قوانین حمایت از بدهکاران

در آیین یهود، علاوه بر تحریم ربا، احکام و قوانینی در حمایت از بدهکاران وضع شده بود و گرفتن وثیقه جز با شرایط خاص، برای طلبکار جایز نبود. در تورات می خوانیم: «چون بر همسایه خود قرض دهی، برای گرفتن گرو به خانه اش داخل مشو، بلکه بیرون بایست تا شخصی که به او قرض می دهی، گرو را نزد تو بیرون آورد و اگر مرد فقیر باشد، در گرو او مخواب و به هنگام غروب آفتاب، گرو او را به او پس بده تا در رخت خود بخوابد و تو را برکت دهد.» (سفر تثئیه، باب ۲۴، فقرات ۱۴-۱۰)

بر اساس قانون «انفکاک سال هفتم» هر طلبکاری موظف بود قرضی را که به برادر یهودی خود داده بود، ببخشد. در این باره، در تورات آمده است: «اگر یکی از برادرانت فقیر باشد، دل خود را سخت مساز و دست را بر برادر فقیر خود میند، بلکه البته دست خود را گشاده دار و به قدر کفایت و موافق احتیاج او به او قرض بده و بر حذر باش، مبادا در دل تو فکر ناپسند باشد و بگویی سال هفتم، یعنی سال انفکاک نزدیک است و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده و چیزس به او ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد بر آورد.» (سفر تثئیه، باب ۱۵، فقرات ۱۰)

### مقایسه مجازات ربا در یهود و اسلام

بر اساس دیدگاه یهودیت رباخوار با چند مجازات روبه رو است. اولاً، وی به مقابله با خالق خود بر می خیزد و در شعله های سوزان جهنم قرار خواهد گرفت. از نظر ارزشی رباخواری از بدترین صفت های شیطانی، بدترین حرفه ها، بدترین گناهان و بدترین فسادها شمرده می شود. در حقیقت، تحریم ربا حتی شدیدتر از احکام الهی درباره جنایتکاران باشد، جنایتکار تحت شرایط خاصی می تواند بخشوده شود اما هیچ چیز باعث بخشودگی رباخوار نمی شود. در قانون تلمود آمده است که حتی همداستان رباخوار و پرداخت کنندگان ربا نیز در این گناه شریک خواهند بود (Lopez, ۱۹۷۹:۷)

ثانیاً، رباخواران دچار منفوریت اجتماعی خواهند شد. هر چند گفته می شود که رباخوار در این دنیا دوام می آورد اما مستحق جهنم است با این وجود این گفته درست نیست، نظر عموم بر این است که رباخواران باید مانند گرگ ها به کلی نابود شوند و لاشه آنها به محل دفن زباله ها افکنده شود. آنها باید محکوم به مرگ شوند و به دار آویخته شوند یا دست کم تبعید شده و اموال آنها مصادره شود. آنها فقط شایسته ارتباط با یهودیان، دزدان، زناکاران و فاحشه ها هستند، در جامعه قرن سیزدهم که افراد بر حسب گناهکاری و فساد و نیز

بر حسب رتبه اجتماعی و شهرت طبقه بندی می شدند، رباخواران در هر دو فهرست در پایین ترین رده قرار داشته و عموماً مورد شماتت قرار می گرفتند (همان).

ثالثاً، کلیسا مجازات هایی را برای رباخواران وضع کرده است. بر اساس احکام و فرامین شوراهاى لاتران، کسانی که بر رباخواری اصرار ورزند، تکفیر می شوند. آنها مشمول عفو نخواهند شد و وصیت های آنها نیز نافذ نخواهد بود. کسانی هم که به رباخواران خانه اجاره دهند، مستحق تکفیر خواهند بود. رباخواران از حق داشتن دفتر کار رسمی محروم هستند.

رابعاً، یگانه راه بازگشت رباخواران، جبران کردن مافات است. این جبران از راه بازگرداندن بهره و اضافه دریافت ها به صاحبان آن یا ورثه آنان حاصل می شود. در صورت عدم دسترسی به آنان، وجه مورد نظر باید بین فقیران توزیع شود. مقامات کلیسا حتی در صورت گذشت بدهکاران از حق خود مجاز به اعمال اقدام های لازم بر علیه رباخواران و همدستان آنان هستند.

خامساً، افزون بر شخص رباخوار، همسر و ورثه اش نیز مورد مجازات قرار می گیرند و چه بسا آنها باید تمام عمر خود را با حقارت و سرخوردگی سپری کنند. بازماندگان رباخوارن می توانند با عبادت، روزه داری، صدقه، دعا و استغفار اسباب بخشایش گناه وی را فراهم کنند، شوهر گناهکار ممکن است به جهت اعمال همسر با ایمان رستگار شود.

در مقایسه با مجازات های رباخواری در یهود، مجازات های اسلامی شدت و حدت کمتری دارند. واضح است که رباخواران در روز قیامت آسایش نخواهند داشت، در آیه های ۲۷۵ و ۲۷۶ سوره بقره می خوانیم: «کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده. این، به علت آن است که گفتند: دادوستد هم مانند ربا است. در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام. و اگر کسی اندرز الهی به وی رسد و خودداری کند، سودهایی که در سابق (پیش از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال وی است و کارش به خدا واگذار می شود اما کسانی که باز گردند و بار دیگر مرتکب این گناه شوند، اهل آتش هستند و همیشه در آن می مانند. خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد».

با این وصف، در قرآن هیچ گونه مجازات معینی برای رباخواران تعیین نشده است و تعیین مجازات رباخواران به حاکم شرع واگذار شده است (Schacht, ۱۹۶۴: ۱۲) در قوانین اسلامی، ربا از جمله تخلفهایی است که مشمول مجازات های تعزیراتی می شود و قضات دادگاه های شرعی حدود آن را تعیین می کنند. در این مجازات، مجازات یا عفو مشخصی از پیش تعیین نشده است و قاضی در تعیین مجازات متناسب با میزان جرم آزاد است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبُّا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبُّا لِيَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَالشُّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكُمْ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ؛ برآستی، اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و تلاش برای معاش را رها می کردند. به همین دلیل خداوند

ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و تجارت و خرید و فروش رو بیاورند و به یکدیگر قرض بدهند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۶۷، ح ۴۹۳۷)

### نتیجه

با توجه به منابع احکام دینی در این یهود، یهودیان ربا گرفتن از غیر یهودیان را جایز می دانند، در اسلام نیز در آیات و روایت های گوناگون و همچنین بیان اندیشه وران اسلامی مساله ربا مورد نکوهش قرار گرفته است و حکم به تحریم آن صادر شده است. بر این اساس، فقه اسلامی ربا گرفتن از کافر را جایز می داند. البته در این مورد فقها دو دسته شده اند و کافر را به ذمی و حربی تقسیم نموده و برخی از آنان ربا گرفتن از کافر ذمی را به دلیل حرمت داشتن اموالشان جایز نمی دانند.

در غیر این موارد ربا هم در دین اسلام و هم در دین یهود تحریم شده است. یعنی یهودیان از یهودیان و مسلمانان از مسلمانان ربا نمی گیرند و همچنین بنا به نظر برخی، مسلمانان از کافران ذمی نیز ربا نمی گیرند.

به منظور مقابله با مساله ربا و رباخواری در هر دو دین یهود و اسلام مجازات هایی در نظر گرفته شده است که مجازات های اسلامی در مقایسه با مجازات های یهود شدت کمتری دارد. در قوانین اسلامی، ربا از جمله تخلف هایی است که مشمول مجازات های تعزیراتی می شود و قضات حدود آن را تعیین می کنند.

حکم تحریم ربا در اسلام دست کم در ۷ آیه و در سه مرحله بیان شده است، مرحله اول انتقاد از رباخواری بوده، مرحله دوم منع از ربای چندین برابر بوده و در مرحله سوم به طور کامل ربا را تحریم کرده و به منزله جنگ با خدا معرفی کرده است که به اختصار به آنها اشاره می شود:

آیه ۲۷۵ سوره بقره به تشریح حال رباخواران در قیامت می پردازد.

آیه ۲۷۶ سوره بقره به نابودی درآمدهای حاصل از ربا اشاره می کند.

در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره مسئله تحریم ربا به وضوح بیشتری مشاهده می شود و خداوند روی سخن را به همه افراد با ایمان کرده و با صراحت و قاطعیت می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و آنچه از ربا باقیمانده رها سازید اگر ایمان دارید.»

در آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران می فرماید: «ربا را چند برابر نخورید، از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است.» (اشاره به ربای مضاعف)

همچنین در آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء به یهودیان رباخوار هشدار می دهد: «به علت ظلمی که از یهود صادر شد و (نیز) به علت جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم و همچنین به علت ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده ایم.»

و حکم حرام بودن ربا در یهود هم در سفر تثئیه سفر لاویان و سفر خروج بیان شده است.

## منابع

قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

عهد عتیق.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵) المقنع، در یک جلد، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم: اول.

----- (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، تعداد جلد: ۴، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: دوم.

ابن براج، عبد العزیز بن نحریر، (۱۴۰۶) المہذب (لابن البراج)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول.

ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تعداد جلد: ۳، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: دوم.

ابن عقیل عمانی، حسن بن علی، (بیتا) مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل، تعداد جلد: ۱، نوبت چاپ: اول، مکان

چاپ: قم

ابو حیب، سعدی، (۱۴۰۸) القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، تعداد جلد: ۱، ناشر: دار الفکر، نوبت چاپ: دوم،

مکان چاپ: دمشق - سوریه

تقی زاده، سید حسن، (۱۳۶۸)، تاریخ علوم در اسلام، تهران، فردوس.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹) تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تعداد جلد: ۳۰، ناشر:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم.

حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، (بیتا) مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط القدیمة)، تعداد جلد: ۱۱،

ناشر: دار إحياء التراث العربی، نوبت چاپ: اول مکان چاپ: بیروت - لبنان، محقق / مصحح: (جلد ۹) محمد

باقر حسینی شهیدی

حکیم، سید محمد باقر، (۱۴۱۳)، الوحدة الاسلامیه، المجمع العالمی لاهل البيت، طبع اول.

خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰) منهاج الصالحین، تعداد جلد: ۲، ناشر: نشر مدینة العلم، نوبت چاپ: ۲۸، مکان

چاپ: قم

رشید رضا، محمد؛ عبده، محمد، (۱۳۹۳)، تفسیر القرآن الکریم (المنار)، بیروت: دار المعرفه.

سیری احمد عبدالرحمن، (۱۳۷۹)، بررسی تطبیقی بهره و ربا، برگردان: فتح الله حقانی، نشر احسان.

شهابی، محمود، (۱۴۱۷) ادوار فقه، تعداد جلد: ۳، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات، نوبت چاپ: پنجم، مکان

چاپ: تهران

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب البیع، تعداد جلد: ۱، ناشر: مؤسسه کاشف

الغطاء، نوبت چاپ: اول مکان چاپ: نجف اشرف

صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۳) الفتاوی الواضحة وفقا لمذهب أهل البيت عليهم السلام، در یک جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، هشتم.

طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عبیدی، عبدالرحمن حمدی شافی، (۲۰۱۳) فقه الادیان، تعداد جلد: ۱، ناشر: منشورات زین الحقوقیه، نوبت چاپ: اول

عاشور، السید محمد، الربا عند اليهود، القاهرة، دارالاتحاد العربی الطباعة، ص ۳۱، برگرفته از: بررسی تطبیقی بهره و ربا.

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء (ط - الحدیث)، تعداد جلد: ۱۷، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم - ایران

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳) مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، تعداد جلد: ۹، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: دوم، مکان چاپ: قم - ایران، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی

علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۵)، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، تعداد جلد: ۱، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم - ایران، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی

علم الهدی، علی بن حسین، (۱۴۰۵) رسائل الشریف المرتضی، تعداد جلد: ۴، ناشر: دار القرآن الکریم، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم - ایران

عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲) درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، شر میزان، چاپ اول

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹) الکافی (ط - دار الحدیث)، تعداد جلد: ۱۵، ناشر: دار الحدیث للطباعة و النشر، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم محقق / مصحح: پژوهشگران مرکز تحقیقات دار الحدیث

گلپایگانی، لطف الله (بی تا)، جامع الاحکام، تعداد جلد: ۲، ناشر: انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، نوبت چاپ: چهارم، مکان چاپ: قم.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۱۰) بحار الأنوار، ۳۳ جلد، مؤسسه الطب و النشر، بیروت - لبنان، اول.

محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تعداد جلد: ۴، ناشر: مؤسسه

اسماعیلیان، نوبت چاپ: دوم، مکان چاپ: قم - ایران، محقق / مصحح: عبدالحسین محمد علی بقال

محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۲) نکت النهایة - النهایة و نکتها، تعداد جلد: ۳، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: اول مکان چاپ: قم - ایران، محقق / مصحح: گروه

پژوهش دفتر انتشارات اسلامی

محمد رامز عبدالفتاح العزیزی، (۲۰۰۴) تحریم الربا فی الاسلام و الدیانتین الیهودیة و المسیحیة، عمان: دارالفرقان.

مشکینی، علی، (۱۳۷۹)، مصطلحات الفقه، قم: دفتر نشر.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸) اسلام و مقتضیات، تهران، صدرا.

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳) المقنعة، تعداد جلد: ۱، ناشر: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، ربا و بانکداری اسلامی، تعداد جلد: ۱، نوبت چاپ: اول مکان چاپ: قم - ایران، ۱۳۷۹.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه

نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۲۵) أنیس التجار (محشی)، تعداد جلد: ۱، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم - ایران

نوبهار، رحیم، (۱۳۷۸) مقررات کیفری، جرایم و مجازات ها در تورات، مجله نامه مفید، شماره ۱۷

نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تعداد جلد: ۱۸، ناشر: مؤسسه آل

البيت عليهم السلام، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: بیروت - لبنان سماء قلم، قم.

سلیمانی، حسین، (۱۳۸۶) عدالت کیفری در آیین یهود، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.

ورنرسو مبارت، (۱۳۸۸) یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ترجمه رحیم قاسمیان، نشر ساقی.